فرمانده قرارگاه منطقه‌ای شمال شرق نزاجا:

ارتش از مردم و برای مردم است

امیر سرتیپ دوم «رضا آذریان» فرمانده قرارگاه منطقه‌ای شمال شرق نزاجا با اشاره به نقش کلیدی ارتش در نیروهای مسلح و نگاه ویژه رهبر معظم انقلاب به این موضوع نکاتی را مطرح و اظهار کرد: مقام معظم رهبری فرمودند یکی از خصلت‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با ارتش های دیگر کشورها این است که از لحاظ علمی، مکتبی و عقیدتی نسبت به سایر ارتش‌ها در رده بالاتر قرار می گیرد و این فقط ادعای ما نیست بلکه حرف رهبری است. ما معتقدیم این برتری به این دلیل حاصل شده است که ارتش جمهوری اسلامی ایران فقط از یک شخص و آن هم شخص رهبری دستور می گیرد و فرمان های ایشان را اطاعت می کند. حتی هیچ کدام از ارتش‌های کشورهای مسلمان هم قابل مقایسه با ارتش ایران نیستند و ما افتخار می کنیم که فرمانده ما نایب امام زمان(عج) است و در رکاب ایشان هستیم.

بیش از ۴۹ هزار ارتشی شهید

ارشد نظامی آجا در منطقه شمال شرق کشور در پاسخ به این سوال که تا چه حد قهرمانان ارتش جمهوری اسلامی ایران به افکار عمومی معرفی شده اند، بیان کرد: خیلی دوست داریم که جامعه ایثارگری کشور بررسی کنند که در قبال بیش از ۴۹ هزار شهید ارتش جمهوری اسلامی باید چه اقداماتی انجام شود، متاسفانه در قبال این آمار گاه می بینیم که اگر جایی عکس شهدا را زده اند تنها یک عکس از شهدای ارتش در میان تصاویر شهدا وجود دارد. شهید آبشناسان، شهید فرامرز عباسی و شهید مخبری تنها چند نمونه از شهدای ارتش هستند که در وصف هر کدام از آن ها می توان چندین کتاب نوشت و مسئولان جامعه ایثارگری، بنیاد شهید و اداره کل های حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در استان های مختلف باید به این مباحث بپردازند و این موضوع جای تلاش بیشتر دارد.

از طرفی رسانه ها نقش مهمی دارند و از آن ها می خواهیم در این خصوص بیش از این فرهنگ سازی کنند. فقط لشکر ۷۷ ارتش جمهوری اسلامی ایران ۵۳۶۷ شهید تقدیم جمهوری اسلامی ایران کرده است، بسیاری از این شهدا جایگاه والایی داشتند، همچنین بسیاری از مدیران عالی کشور از جمله وزیران و ... سربازان ارتش بوده اند بنابراین در خصوص ارائه این فرهنگ باید تلاش بیشتری کرد هر چند کارکنان ارتش بی ریا هستند و همواره این مشی را داشته اند.

یگان های امداد و نجات در کنار یگان های رزمی

امیر آذریان در بخش دیگری از سخنان خود به گستره فعالیت های ارتش در حوزه های مختلف اشاره و تصریح کرد: در ارتش جمهوری اسلامی ایران، به غیر از آمادگی رزمی یگان های ارتش، یگان های امداد و نجات هم داریم و فلسفه وجود این یگان ها این است که ما از مردم و برای مردم هستیم لذا از جان و مال آن ها در مقابل حوادث طبیعی حفاظت می کنیم. وی با بیان این که یگان های امداد و نجات ارتش جمهوری اسلامی ایران از آمادگی خوبی برخوردارند، افزود: در زلزله اخیر که در تاریخ ۱۶ فروردین ماه در خراسان رضوی به وقوع پیوست، اولین بالگرد اعزامی به منطقه متعلق به هوانیروز ارتش بود و از آن طریق توانستیم وضعیت منطقه را بررسی و گزارش هایی را برای ستاد مدیریت بحران تهیه کنیم، علاوه بر آن یکی از فرماندهان ما در منطقه زلزله دیده خود را به منطقه رساند و در کنار استاندار بررسی های لازم را انجام داد. روز ۲۶ فروردین ماه نیز به مناسبت ایام گرامیداشت روز ارتش برای سرکشی و دلجویی از خانواده های آسیب دیده به روستاهای مناطق زلزله دیده اعزام شدیم و ادوات مهندسی، کمک های پزشکی و ... را به منظور حل مشکلات مناطق زلزله زده به آن مناطق بردیم که با استقبال زیاد ساکنان این مناطق مواجه شدیم که خرسندی ما را نیز به دنبال داشت. ما وظیفه داریم از مردم عزیزمان که همگی دوستدار ارتش هستند حمایت کنیم.

تجهیزات و سامانه های ارتباطی و پدافندی بومی

امیر آذریان در بخش دیگری از سخنان خود گفت: فرماندهان بسیار متعهد و کارکنان پایور بسیار خوبی در ارتش بوده اند و هستند. در جایی مقام معظم رهبری می فرمایند که من ارتش را تجربه کردم و این تجربه رهبری در طول هشت سال دفاع مقدس بوده است. ایشان ارتش را مومن، اهل تحقیق و پژوهش و اهل علم می دانند. وی با بیان این که بعد از دفاع مقدس هم سازمان جهاد خودکفایی در ارتش تشکیل و از تجربیات دفاع مقدس در این زمینه استفاده شد، افزود: زمانی ما خیلی کمبود داشتیم اما بعد از دفاع مقدس شروع کردیم به ساخت انواع تجهیزات و هم اکنون همه تجهیزات و سامانه های ارتباطی و پدافندی ما بومی است. امیر سرتیپ دوم رضا آذریان افزود: رهبر انقلاب تاکیدات زیادی بر حفظ آمادگی رزمی ارتش و همچنین تقویت مباحث اعتقادی دارند. ایشان فرموده اند که مشکلات مالی نباید در بالابردن توان نیروهای مسلح تاثیر گذار باشد، چرا که در هشت سال دفاع مقدس که کشور در حوزه اقتصادی با مشکلاتی مواجه بود هیچ کشوری ما را یاری نکرد اما یک وجب از خاک خودمان را هم به دشمن واگذار نکردیم. وی در خصوص آمادگی رزمی ارتش در منطقه شمال شرق کشور گفت: همیشه در مباحث آمادگی رزمی جایگاه خوبی داشتیم و انجام رزمایش ها در طول هر سال باعث ارتقای توان رزمی ما شده است، البته برخی از تمرین ها و رزمایش ها رسانه‌ای نمی شود. ارشد نظامی نزاجا در منطقه شمال شرق کشور خاطر نشان کرد: مردم مطمئن باشند که فرزندان این مرز و بوم در این منطقه از آمادگی بسیار بالایی برخوردارند و این آمادگی تنها در راستای پایداری مرزهای جمهوری اسلامی و ایجاد امنیت برای کشورهای منطقه و همسایه است و هیچ تهدیدی برای دیگران نخواهد بود.

وضعیت مالی کشور نباید روی توان دفاعی ما اثر بگذارد

فرمانده قرارگاه منطقه‌ای شمال شرق نزاجا همچنین روز گذشته در مراسم بزرگداشت روز ارتش که در دانشکده تربیت مدرس برگزار شد، گفت: وضعیت مالی کشور نباید روی توان دفاعی ما اثر بگذارد

به گزارش خبرگزاری فارس، رضا آذریان افزود: اگر ارتش ما متعهد و دین‌دار در دوران انقلاب نبود، انقلاب با این سرعت و صراحت به پیروزی نمی‌رسید.

وی افزود: بعد از پیروزی انقلاب، بلافاصله گروهک‌های ضد انقلاب به صورت قارچ گونه در کشور پراکنده شدند و تقاضای خودمختاری و استقلال داشتند، با وجود این که هنوز ارتش آمادگی نداشت، اما با کمک نیروهای مردمی اوضاع کشور را در دست گرفتند. آذریان با تاکید بر این که امام خمینی(ره) تضعیف ارتش را تضعیف اسلام می‌دانستند و معتقد بودند آن‌هایی که به دنبال تضعیف ارتش هستند، خائنان هستند اظهار کرد: بر این اساس امام راحل برای تایید و تاکید به اهمیت ارتش، ۲۹ فروردین را روز ارتش نام‌گذاری کردند تا در این روز ارتش با نشان دادن اقتدار خود مردم را مکلف به دفاع از این نهاد کند و این اقدام امام، کشیدن خط قرمز روی همه مکاتبات و صحبت‌های گروهک‌های منافقین بود. فرمانده قرارگاه منطقه‌ای شمال شرق نزاجا با اشاره به این که در این روز، ارتش جان دیگری گرفت و به عنوان برگ زرینی ثبت شد، گفت: گروهک منافقین سوم اردیبهشت، رئیس ستاد مشترک ارتش ایران را به نشانه اعتراض به این اقدام امام، به شهادت رساند.

وی خاطرنشان کرد: ارتش، هشت سال در مقابل استکبار جهانی ایستاد و عملیات‌های بزرگی انجام داد و می‌توان گفت حماسه هشت سال دفاع مقدس را این نهاد به‌وجود آورد. البته هنوز هم دشمن از ما دست برنمی‌دارد.

آذریان با اشاره به این که دشمن پس از امضای برجام بهانه گرفت که نیروهای مسلح نباید موشک داشته باشند، گفت: این در حالی است که این شرط در بیانیه برجام نیست و رهبر معظم انقلاب نیز تاکید کردند، ما باید قدرت بازدارندگی دفاعی داشته باشیم و قدرت خود را روز به‌روز افزایش دهیم. بنابراین ایشان تاکید کردند در این انقلاب ما تصمیم‌گیرنده هستیم و نباید وضعیت مالی کشور در وضعیت دفاعی آن اثرگذار باشد.

وی تاکید کرد: نیروهای ارتش بیدار هستند و اجازه نمی‌دهند، به مرزهای کشور ایران ذره‌ای تجاوز شود، همچنین شرایط کشور و نیروهای مسلح شرایط خوبی است و جای نگرانی وجود ندارد و آمادگی در همه مباحث بسیار است.

وی با اشاره به انتخابات ماه آینده گفت: در این رویداد مهم، باید همه ما هوشیار باشیم تا حضور مردم، گسترده باشد و ثابت کنیم، پایدار و ادامه دهنده خون شهدا هستیم.

گفت و گو با خانواده مشهدی که ۴ عضو آن ارتشی هستند

پادگان کوچک آقای سیرجانی و بانو

سمیه صادقی- ۳۸ سال از فرمان تاریخی امام خمینی(ره) برای نام گذاری روز ارتش می گذرد، همان روزی که امام فرمود: «روز چهارشنبه ۲۹ فروردین روز ارتش اعلام می‌شود. ارتش محترم در این روز در شهرستان های بزرگ با ساز و برگ به رژه بپردازند و پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران و حضور خود را برای فداکاری در راه استقلال و حفظ مرزهای کشور اعلام نمایند. ملت ایران موظفند از ارتش اسلامی استقبال کنند و احترام برادرانه از آنان نمایند. اکنون ارتش در خدمت ملت و اسلام است و ارتش اسلامی است، و ملت شریف لازم است آن را به این سِمت رسماً بشناسند و پشتیبانی خود را از آن اعلام نمایند....» با این فرمان بود که توطئه جداسازی ارتش از انقلاب خنثی شد. ارتش با شعار «ارتش فدای ملت» به خیابان آمد و مردم هم با اجتماع در خیابان‌ها شعار «ملت فدای ارتش» سر دادند....

به مناسبت روز ارتش، پای خاطرات یک خانواده مشهدی ارتشی می نشینیم که چهار نفر از اعضایش افتخار خدمت در ارتش جمهوری اسلامی را داشته اند و دارند. «حسین سیرجانی» پدر خانواده سروان بازنشسته ارتش، «فریده انصاری» مادر خانواده بهیار بازنشسته ارتش، «علیرضا» پسر بزرگ خانواده شاغل در شعبه اداری معاونت عملیات قرارگاه شمال شرق و «محمد» شاغل در پدافند نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در کنار ک چابهار اعضای ارتشی این خانواده ۷ نفره هستند. حسین سیرجانی متولد ۱۳۴۰ در تربت حیدریه است و از زمان اوج گرفتن انقلاب در سال ۵۷ به استخدام ارتش درآمد. سال های ۵۷ تا ۵۹ را در تهران، از سال ۶۲ تا ۶۵ در مشهد و از ۶۵ تا ۷۷ در بهبهان خدمت کرده است. سال ۷۷ دوباره به مشهد آمده و در نهایت در سال ۸۷ با درجه سروانی و سمت مسئولیت خدمات پدافند نیروی هوایی ارتش در مشهد بازنشسته شده است. او در گفت و گو با ما از ماجرای به استخدام درآمدنش می گوید: من از سال ۱۳۵۷ جزو تظاهرات کنندگان مشهد بودم، پدرم ارتشی بود و اوایل به دلیل سخت گیری هایی که وجود داشت، مخالف حضور من در تظاهرات بود اما در زمان به اوج رسیدن انقلاب، به این امر راضی شد. من همان زمان به منزل آیت ا... شیرازی رفت و آمد داشتم. به ایشان گفتم من مدرک سیکل دارم و اگر اجازه دهید می خواهم به استخدام نیروی هوایی درآیم. ایشان هم تصمیم مرا تایید کردند و به نقل از امام گفتند که بدنه ارتش از مردم باشد تا اگر رژیم قصد داشت ارتش را از هم بپاشد بدنه آن مردمی باشد و باقی بماند. من در مشهد استخدام ارتش شدم، مدت یک ماه را هم در قصر فیروزه تهران گذراندم و پس از آن به نیروی هوایی رفتم. او دلیل حضور خود در راهپیمایی های قبل از پیروزی انقلاب را این گونه بیان می کند: احساس می کردم شرایط کشور آن طور که مردم می خواهند نیست و وضعیت بی بندوباری در جامعه خیلی زیاد بود. من از همان جوانی در دوره های قرآن و دعای کمیل حضور داشتم و مسائل اعتقادی برایم مهم بود.... این جمله را که می گوید، فریده انصاری، وارد گفت و گو می شود و درباره پایبندی همسرش به معنویات می گوید: پدر همسرم با این که کارمند ارتش بود و شرایط ارتش در دوره طاغوت، شرایط خاصی بود، اما در همان زمان همه فرزندانش را به قرآن خواندن مقید کرد. در طول سال های زندگی مان، همسرم حتی یک روز قرائت قرآن پس از نماز صبح را ترک نکرده است و همیشه صدای صوت قرآنش در خانه می پیچد. فرزندانمان را هم طوری پرورش داده که با قرآن آشنا باشند.

از دواج آقای ارتشی با خانم ارتشی

حسین سیرجانی شیرین ترین خاطره زندگی اش را از دواج با همسر مهربانش می داند و فریده انصاری خاطره چگونگی آشنا شدن و از دواج شان را توضیح می دهد: من بهیار نیروی هوایی بودم و همسرم در دفتر کار می کرد. من چون تایپ بلد بودم به خاطر این که یکی از همکارانشان در دفتر باید به تهران اعزام می شد به من مراجعه کردند و از من خواستند تا چند نامه را تایپ کنم. من در دفتر نامه هایی را که آقای سیرجانی می گفتند تایپ می کردم و این همکاری زمینه آشنایی و از دواج ما شد.

گل های لاله ای که مردم به ارتشی های می دادند

سیرجانی از روزهای پیوستن ارتش به مردم در روزهای اول انقلاب هم خاطراتی در ذهن دارد: همان روزها که اسلحه ها به دست ملت افتاده بود و به ما گفتند که بروید، مردم به ما بسته های دوتومانی و ۱۰ تومانی می دادند و می گفتند هر چقدر پول می خواهید بردارید که نیازمند دریافت پول از رژیم نباشید. از اوایل انقلاب که ارتش به مردم پیوسته بود خاطرات خوبی دارم. وقتی به خیابان می آمدیم مردم گل های لاله به دستمان می دادند و خیلی محبت می کردند احساس غرور خاصی داشتم که با مردم هستم.... او درباره حال و هوای اوایل انقلاب و روز ارتش می گوید: قبل از پیروزی انقلاب، به همراه دو نفر از همکارانم در راهپیمایی شرکت کردم. مسئولان ارتش متوجه این موضوع شدند و ما سه نفر را باز خواست و ممنوع الخروج کردند. اما همان شب همافران نیروی هوایی علیه شاه شورش کردند، بدنه ارتش با آن ها یکی شد و راهپیمایی بزرگی در تهران صورت گرفت تا فردا صبح که نیروی گارد شاهنشاهی بر فراز پادگان نیروی هوایی تیراندازی کرد. نیروی هوایی ارتش را تعطیل کرد و ما به مشهد آمدیم. من هم تصمیم گرفتم راهی مشهد شوم، جالب این که حتی راننده اتوبوس هم از ما که ارتشی بودیم کرایه نگرفت و به گرمی پذیرایمان شد. به سبزوار که رسیدیم صبحانه مفصلی دادند و بعد از آن ما را با مقداری پول راهی مشهد کردند. نیروهای ارتش و به‌ویژه کارکنان نیروی هوایی که به شهرهایشان برمی گشتند خیلی مورد احترام بودند. سیرجانی بخشی از سخت‌ترین شرایط خدمتی اش را مربوط به خدمت داوطلبانه در جبهه بیان می کند و می گوید: بهمن سال ۶۳ به مدت ۹ ماه در جبهه شلمچه خدمت کردم، در آن زمان فرمانده دسته بودم و باید تا زمان عملیات خط را در مقابل تهاجم عراق حفظ می کردیم.

۳۰ سال خدمت عاشقانه در بهیاری ارتش

فریده انصاری هم درباره نحوه ورودش به ارتش توضیح می دهد: عاملی که باعث شد مشتاق خدمت در ارتش شوم یکی این بود که پدر خودم ارتشی بود و از شخصیت و رفتار نظامی او خیلی خوشم می آمد و تصمیم گرفتم وارد ارتش شوم. دلیل دیگری هم باعث شد که برای این کار انگیزه بیشتری داشته باشم و آن این که یک بار پدرم در بیمارستان بستری شد و دیدم پرستاران بیمارستان ارتش چقدر به بیماران کمک می کنند. در همان روزها بود که تصمیم گرفتم هر طور شده رشته پرستاری را بخوانم. اطلاعیه استخدام بانوان در ارتش را نیمه اول سال ۵۷ دیدم، با پدرم مشورت کردم و پدرم هم موافقت کرد. ۲۹ مرداد ۵۷ به استخدام ارتش درآمدم. بعد از آن در رشته بهیاری درس خواندم و درجه گرفتم و ۳۰ سال خدمت عاشقانه داشتم و سال ۸۷ حدود دو ماه قبل از بازنشستگی همسرم، بازنشسته شدم.

هنوز در حیرتم...

از مادر خانواده می خواهم از خاطراتش بگوید و او خاطره تلخی را که در ذهن دارد باز گو می کند: تلخ‌ترین خاطره من مربوط به سال های ۶۲ و ۶۳ می شود که داوطلبانه به عنوان بهیار برای مداوای مجروحان به مدت یک ماه به دزفول رفتم. برخی از هم دوره های خودم را در آن جا دیدم. شرایط بسیار سختی بود به علت حجم مجروحان، روح و روان همکارانم به هم ریخته بود. در آن جا خاطره ای دارم که هنوز یادم مانده است. جوان قوی هیکل مجروحی را آوردند که دست و پایش قطع شده و در حالت بی‌هوشی بود اما زیر لب چیزی زمزمه می کرد. واقعا تعجب کرده بودیم اما دقت که کردیم دیدم واقعا بی هوش نیست و دارد چیزی می گوید، زیر لب می گفت: «ا...اکبر، خمینی رهبر». این صحنه برای من که در دوران طاغوت بزرگ شده بودم خیلی تاثیر گذار بود. حیران مانده بودم که چطور این جوان از عشق امام حتی در حالت کما هم این شعار را تکرار می کند؟ همان جا بود که علاقه‌ام به امام خمینی(ره) خیلی بیشتر شد. یادم هست روزی که ایشان رحلت کردند، برای من روز بسیار تلخی بود، آن روز خاطره عشق آن جوان به امام در دلم زنده شد و بسیار دلگیر شدم....

۱۷ ارتشی در فامیل

صحبت هایمان را ادامه می دهیم مادر خانواده سیرجانی درباره عشق و علاقه خانوادگی به ارتش برایمان می گوید: ۱۷ نفر از اعضای فامیل من و همسرم نظامی هستند. حقیقتا دخترانم هم علاقه مند بودند که در ارتش استخدام شوند اما با توجه به این که باید در تهران آموزش می دیدند توفیق نشد که آن ها هم به ارتش بپیوندند. او درباره سختی کار در ارتش هم چنین می گوید: من شاید در ظاهر ۳۰ سال خدمت کرده باشم اما به خاطر این که سعی کردم برای فرزندانم مادری خوب و برای همسرم همسر خوبی باشم و همه وظایفم را به خوبی انجام دهم، از نظر خودم انگار ۹۰ سال خدمت کردم. من صبح ها از ساعت ۴ صبح از خواب بیدار می شدم و غذا درست می کردم وقتی هم که از کار برمی گشتم ناهار را دور هم می خوردیم. در این ۳۰ سال حتی یک بار غذای بیرون به خانواده ندادم و همیشه خودم غذا می پختم. بعد از آن هم به تکالیف بچه ها می رسیدم، طوری بود که مطالب کتاب های درسی فرزندانم را حفظ شده بودم. به دلیل همین رسیدگی ها فرزندانم در درس و قرآن موفق بودند. من نظم و انضباط را هم به فرزندانم یاد دادم و یکی از دلایل موفقیت آن ها همین نظم و انضباط است.

نظامی گری عشق و هنر است

علیرضا سیرجانی پسر بزرگ خانواده هم در گفت و گو با ما می گوید: سال ۸۲ با همکاری عمویم که او هم در لشکر ۷۷ ارتش مشغول بود با مدرک دیپلم به استخدام ارتش درآمدم. الان هم در شعبه اداری معاونت قرارگاه شمال شرق در حال خدمت هستم. حس علیرضا را از خدمت در ارتش می پرسم، او می گوید: به نظر من نظامی گری، هم هنر است و هم عشق یعنی اگر عاشق این کار نباشی سختی های آن تو را از پای می اندازد. وقتی پدر و مادرم را می دیدم که با وجود خدمت در ارتش موفق و همدل هستند، به حضور در ارتش بیشتر علاقه مند می شدم. به خاطر حمایت پدر و مادرم روحیه بالایی داشتم، یادم هست در دوره آموزش خیلی ها بودند که از نظر جسمانی از من قوی تر بودند اما تحمل آموزش های ارتش را نداشتند و استعفا کردند.

زندگی در خانواده نظامی سخت نیست

او ادامه می دهد: ما در خانه های سازمانی در پایگاه نیروی هوایی رشد کردیم. پدر و مادرمان را می دیدیم که در قبال زندگی خانوادگی و نقش آفرینی در خانواده تعهد داشتند از طرف دیگر هم به شغل خود متعهد هستند. من در محیط کار از همه همکارانم جوان تر هستم. به کسانی که از من می پرسند آیا زندگی در یک خانواده نظامی سخت است؟ می گویم، شاید برخی تصور کنند خانواده یک ارتشی سخت و خشک و مقرراتی است اما این طور نیست، خانواده یک مجموعه منظم است اما ارتباط خانوادگی و صمیمیت بر روابط شان حکم فرماست. نظم ارتشی در همه کارهای زندگی دیده می شود، مثلا پدرم با نظم خاصی به عبادت خود می رسد، راس اذان بلند می شود و نماز و قرآن می خواند. همه کارها از روی نظم در خانواده انجام می شود. رعایت ضوابط خانواده هم برایمان مهم بود، مثلا خود من تا ۲۰ سالگی غذای آماده و کنسرو و ساندویچ کالباس و سوسیس نخورده بودم و فقط غذای خانه را می خوردیم. محمد برادرم هم که متولد سال ۶۵ است علاقه مند به خدمت در ارتش بود و با این که مدرک تکنسین اتاق عمل را گرفت اما در سال ۸۵ وارد ارتش شد. او می توانست مثل همسرش که او هم تکنسین اتاق عمل است در بیمارستان مشغول به کار شود اما به دلیل علاقه به ارتش به استخدام ارتش درآمد و چهار سال دانشگاه افسری را با موفقیت گذراند و اکنون در کنار ک چابهار خدمت می کند و افسر کنترل شکاری پایگاه نیروی هوایی است. خیلی دوست داشتیم او هم امروز برای این مصاحبه کنارمان باشد اما امکان حضور پیدا نکرد. از سختی های نظامی گری این است که هر جایی که گفتند باید بروی، چه مناطق سردسیر باشد چه مناطق گرمسیر. موقعی که استخدام شدم دو سه ماه بعد به دلیل شکستگی پا در حین فعالیت ورزشی باز هم دوره آموزشی را گذراندم و از شیرین ترین لحظات این دوره این بود که پدرم دو بار به دیدنم آمد. تلخ ترین خاطره هم این بود که همکارم سرهنگ شاه ویسی که در هوانیروز بود چند سال قبل در منطقه خین عرب مشهد در حین عملیات امداد و نجات جان خود را از دست داد، آن روز، روز بسیار سختی برایم بود.